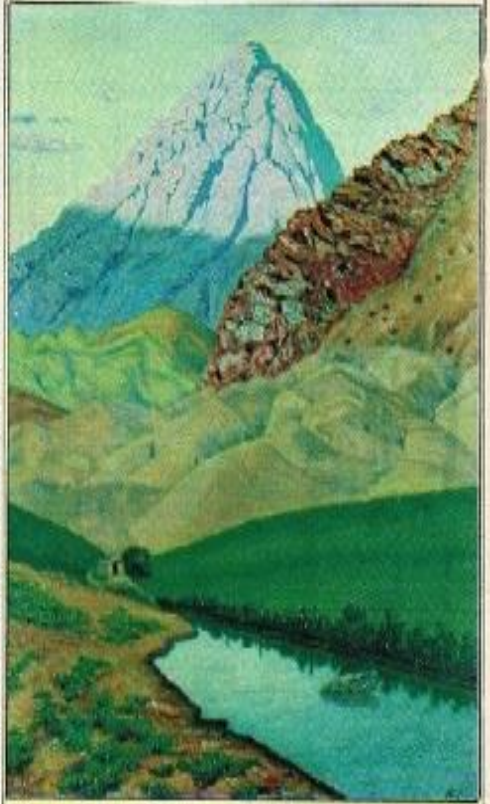
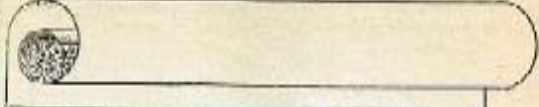


۱۸ سال از خاموشی رسام ارزنگی گذشت



در گذشت استاد رسام ارزنگی نقاشی شاعر و هنرمند مشهور ایران رسام در سال ۱۳۹۱ در شهر تبریز در خانواده‌ای هنرمند چشم به جهان گشود. پسر از آنات و زینگی خاندان بود. در نقاشی و مجسمه و شعر دست و پا زد. بعد از تکمیل تحصیلاتش در مدرسه کمالی تبریز به کتبخانه شاه قاجار، جادی بود و حسنه نقاشی که در آنجا در حوزه پرچامیا نگهداری می‌شود با نظارت وی ساخته و دریاچه گودس به نامش گذاشته شد. نقاشی رسام را برگزیده بنساخت نقاشی را که پدرش فرارگرفت و سپس در آن نقاشی نیز هر دو رویداد و توجیه دوره‌های آموزشی نقاشی را در هنرستان فلسطین آکادمی مسکو گذراند.

در سال ۱۳۹۸ به تهران بازگشت و در آنجا در خیابان خواجه‌نصیر (که آن زمان خیابان کوه بود) به ساختن کارهایش پرداخت. در آن زمان در فلسطین هم می‌نقاشید و در آنجا هم به آموزش نقاشی می‌داد. در سال ۱۳۹۸ به تهران بازگشت و در آنجا در خیابان خواجه‌نصیر (که آن زمان خیابان کوه بود) به ساختن کارهایش پرداخت. در آن زمان در فلسطین هم می‌نقاشید و در آنجا هم به آموزش نقاشی می‌داد. در سال ۱۳۹۸ به تهران بازگشت و در آنجا در خیابان خواجه‌نصیر (که آن زمان خیابان کوه بود) به ساختن کارهایش پرداخت. در آن زمان در فلسطین هم می‌نقاشید و در آنجا هم به آموزش نقاشی می‌داد.



یادی از خالق دو هزار تابلوی نقاشی

چندی پیش نقاشی با دفتر روزمری مجله تعارف گرفت و از یادی از نقاشی‌های رسام ارزنگی در مجله (تابلوی نامی) بدون ذکر نام نقاش، در صفحه خواننده‌های تاریخی سه‌گانه که از انجمن بی‌نام بود، پوزان خواستیم و در آن مشخص شد نقاش کشنده کسم نیست بجز دفتر ادبی، همان‌طوریکه نقاش نام او با سالنامه درگذشت رسام طایر نیک‌گرفته از او خواستیم تا نمونه‌هایی از کارهای استاد را همراه خود به دفتر مجله بیاورند. در پناه صحیح بگفتیم خانم ممتاز ارزنگی همراه خانواده‌های از کارهای استاد به دفتر مجله آمد و ما در آن فضایی ویژه استاد سخن گفت بعد از قرار شد یک مجله از پهنه کارها هم در منزل استاد و حتی چند از قابل اعتماد برنامه برنامه‌ها شش ماهی از زمانیکه این هنرمند هم به‌سبب ترافیک می‌بندیدیم سالگرد درگذشت او در اخبار ما گذاشته شد که حاصل نگارش دفتر ایشان است. در این شماره تابلوی روی جلد و تابلوی پوستر دست سینه همراه تابلوهایی این مجموعه از میان آثار رسام ارزنگی انتخاب شده‌اند و متن شرح حال زندگی ایشان هم چاپ می‌شود. با یادی از این هنرمند گرانقدر.

در صحبت با استاد
و حکایت بارده
در زنگین
مردانه در فرهنگ
بود ارزنگی
بود به جای شاد
روزهای به
فرهنگی بنگار
شاید این طبع
بدا کرد به صحنه
او گفت جان خود
به دعا برداشت و گم
پریشانی کرد

پادشاه و هنر خود چگونه نگاه کند
سوزن و گداز آنجا که کار کرد
لشکر به کوشش و رنج و غم مسرت گنج
بگر به ضیاع که زانوی کشنده بود
در روزهای برادرش شاهرخ ۱۳۲۲ با تمام
نیروی خود از طریق اشعار بهیچ برادران وطن
را به میان به با دشمنان می‌طلبید.
چون رسام در اثر زندگانی سنگ پاید کرد
چنان را از برای تنگ چندان آنگاه بود کرد
و باز
بیشتر تنها نگاه بود فریاد، هنر
گفته ایران در آن امروز را جری در
در گذشته بر هر چه دشمن بودت و پس
سینه آنگاه می‌تواند به آرزوی گم
رسام در طول زندگانی پرورش بارها با
دشمنی‌ها و آشکارا می‌خواست به دشمنان
باید بود دانش ناظم و صحنه بود
باکی از نظریه‌ها و تاریخ و هر چه به برده‌ای است
که تابلوی نقاشی سینه تاریخ به دسترس آن
نقاشی‌ها در آینه‌ها با بیانی باره باره
آزاد از او روز بعد بر سر کاشه آن در تابلوی
تولید آورده شد.
دقیق سینه بتواند که دست من بنده
هزار کار برآید دست بنده من
و باز
بارها هم برآید خرم شوره پندگی
بارها هم برآید خرم شوره پندگی
و گداز شد طبع بنده آنگاه
که زینده نگاه دست تاری مار
و باز
دشمنی رنگ بنده به برده خود جنگ
لنگه لبه ضرورت به سخت جانی من
وی بار دیگر با صفت سالیانه نشد و در وی اثر
را بازسازی کرد و در آخرین روزهای زندگی
حیضان با مشق صورت آنگاه به حال اتاری آمد
هر یک چون سیرهای در اسناد هنر ایران جوی
سرکشته است
در سوره وی دوست و بار در باغان
استادش بر سر بنده شد
بانگ ناگوس خط برنده که در او هر
در چه در این رسام ارزنگی بعد
غیر خون بود و در زینده و زندان با اثر بود
میباشد با چه در این صحنه و انگش بعد
آنگاه رنگ آرزو به رنگ زینده بود
در میان این روزگاری ما به رنگی دنیا
از آنجا بود رنگ زینده زینده بود
چون است او به صحنه خطاطی جانان
از آنجا بود رنگ زینده زینده بود
کرچه تا می‌باید در این رنگ بود و آنگاه
لنگه او آرزو رنگ سینه از این رنگ سینه
با این جمله و همه در همان صحنه دست
نقش است از آن گریه است

گیسان

رسم ارژنگی نقاش و شاعر ۸۳ ساله‌ای که پیری نمی‌شناسد



نابلو معروف دانشگر کشی نادره که استاد ارژنگی ده‌سال تمام برای کشیدن آن وقت صرف کرده است

مینا اسدی

او ضمن اشاره به عشق شدیدش به کشورش میگوید:

پس از پایان تحصیلاتم در روسیه،
رونها اسرار داشتند که من در آنجا
بمانم و به تدریس بپردازم اما عشق
به وطن مرا به ایران بازگرداند. وقتی
به ایران بازگشتم علاوه بر کشیدن
طبیعت، به تصاویر بزرگان ایران مثل
سعدی، امیرکبیر و نادرشاه بر روی دیوار
بکشیدم در آن زمان مجسمه‌سازی ساختم
و بر روی اشعار حافظ و خیام نیز کار
میکردم. در سال ۱۳۰۸، با انعام از
رهبانی خیام و تصویر به نمایشگاه
فیلادلفیا فرستادم. پروفیسور اسمیت
که در آن زمان رئیس دانشگاه کلمبیا
بود طی نامه‌ای از من خواست که تمام
رہبانیات خیام را مصور کنم. و من
اینکار را کردم و دیوان خیام بسا
نابلوهایی من بزبان انگلیسی چاپ
شد. ضمناً تصاویر اشعار حافظ نیز که
بزبان انگلیسی منتشر شده است از
آثار من است.

ارژنگی مجموعه اشعار خویش را نیز
انتشار داده است.
نمایشگاه آثار رسم ارژنگی تا ۲۰
فروردین در گالری شیخون جنب انجمن
فرهنگی ایران لس‌آنجلیس تهران داراست.

رفت و پس از گذراندن دوره‌ای در
هنرستان نقاشی تفلیس به تحصیل
در آکادمی مسکو پرداخت. او اکنون
۶۰ سال است که نقاشی میکند.
ارژنگی میگوید: هنر در خانواده
ما موروثی است. از قرن شانزدهم
انجاد و اسماعیل من حجاز و نقاش بوده‌اند.
جد بزرگ من حاج میرزا، معاصر با
پاکسال‌الدین بهزاد بود و پدرم
ابراهیم میر نیز نقاش دربار مظفرالدین
شاه بوده است.

ارژنگی شاعر نیز هست و دنباله
هرچند ای یکه بیت شعر از خویش
مخواند.

او با شور و میگوید:

روزی ۸ ساعت نقاشی میکنم
و یک لحظه نیز از تلاش و کوشش باز
نمی‌مانم. در ذهن من کلمه پیری
مفهومش را از دست داده است هنوز
هم میتوانم پایبای جوانان کار کنم
و پس بخواند

پارها تیرمیراد هرم خورده است که
باز با عزم قوی قصد شکاری داریم
ارژنگی پس از بازگشت به ایران
هنرستانی بنام نگارستان ارژنگی
تأسیس کرد و به تعلیم علاقمندان
هنر نقاشی پرداخت.



استاد رسم ارژنگی

درختانش بی‌بانیست و آسمانش
آبی شفاف و دشتهاش سرسبز.
جوانهای شاداب، کوههای سر
برافراشته و میرو و پیرهای آرام در
چنگلهای سبز، تصاویر نابلوهایی
استاد هنرمندی است که در ۳۰ سالگی
نیز بر شاعر از زندگی است و به آثار نابلوهایی
او ایران را نمی‌شناسد. رسم ارژنگی
نقاش صاحب‌نام ایران نقاشی را از
۱۰ سالگی آغاز کرد و از همان سال
برای تحصیل در رشته نقاشی به روسیه